

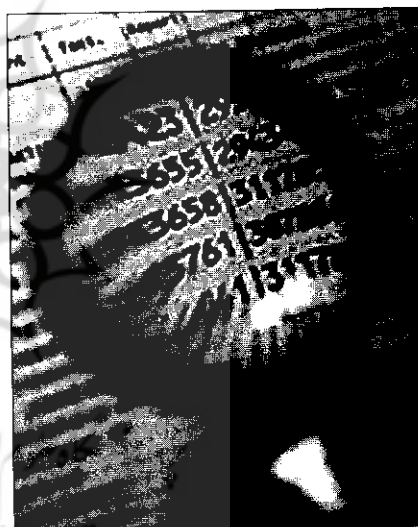


خروج غیر مجاز از کشور و اتهام کلاهبرداری

دکتر حمید محمدی

رئیس شعبه ۱۹ دادگاه تجدید نظر استان تهران

بخشی از پرونده‌های جریانی جزایی با عنوان کلاهبرداری در دادسرا و در دادگاه‌ها مربوط است به شکایت کسانی که دانسته و آگاهانه از اینکه خروج از کشور به طور غیر مجاز جرم است و یا ورود به کشور خارجی بدون ویزا ممنوع و احیاناً جرم محسوب و مرتکب مستوجب مجازات شناخته می‌شود به بهانه‌هایی از قبیل عزیمت برای کار و یا تحصیل و یا مهاجرت و پناهندگی و ... آگاهانه از نتیجه اقدام و بزه ارتكابی، بعضاً جهت مددجویی به افراد شیاد و متقلب و غیر آن به هر عنوان برای تهیه ویزا ولو تقلبی و جعلی مراجعه و پس از حصول ویزای جعلی در قبال پرداخت وجه و یا با مراجعه به دلالان و واسطه‌ها و عزیمت به سوی مقصد و پس از کشف جرم و بر ملا شدن حقیقت و برگردانیده شدن و یا برگشت به وطن مبادرت به شکایت از افراد مذکور به عنوان کلاهبرداری می‌نمایند مع الاسف دادسراها و دادگاه‌ها به روال



جاری بدون لحاظ عمد و علم و آگاهی خود شاکی از مجرمانه بودن ماهیت عمل ارتكابی، متهم یا متهمین را تحت تعقیب جزایی قرار و آنان را محکوم به تحمل مجازات جرم کلاهبرداری و بدین ترتیب علاوه بر اشتغال زایی برای دادگستری و جرم انگاری غالباً یک امر فاقد وصف جرم و افزودن بر تعداد زندانیان قسمت مهمی از وقت و نیروی دادسراها دادگاه‌ها مصروف این امر می‌گردد. در حالی که اغلب موارد به طوری که ذکر شد، اساساً قضیه فاقد وصف جزایی است و ندرتاً اثبات اتهام جعل مشتکی عنه میسر می‌شود و یا اغلب اوقات اصولاً خود شاکی که مرتکب جعل و یا علی‌ای تقدیر استفاده از ویزای مجعول و خروج غیر مجاز از کشور گردیده مستوجب مجازات قانونی است گرچه معمولاً بازگشت این گونه افراد به کشور به وسیله برگه سفارت جمهوری اسلامی میسر است. نگارنده بر این عقیده هستم: از آنجا که خود کرده را تدبیر نیست لذا در مواردی از قبیل مذکور نه تنها قضیه کلاهبرداری نیست و بلکه درباره غیر شاکی به جز در موارد استثنایی فاقد وصف جزایی است و شاید در برخی موارد نادر موجب مسئولیت مدنی برای متشکی عنه آن هم پس از اثبات عدم علم و آگاهی شاکی باشد که آن هم بسی مشکل است زیرا در مورد اول بنا به قواعد عقلی و فقهی



اقدام و اعراض و در مورد دوم بنا به قاعده حقوقی ریسک قابل توجیه نبوده و قابل پذیرش نیست و بلکه خود شاکای در چنین موردی در معرض اتهام قرار دارد و بایستی پس از اعلام شکایت به لحاظ نوع جرم که عمومی است ابتدائاً تحت تعقیب جزایی قرار گیرد و آن گاه مثلاً در صورت صدق بزه جعل و مشخص بودن جاعل «چون اغلب موارد اساساً قضیه صرفاً تعهد مدنی است و یا اینکه مرتکب بزه قابل شناسایی نیست» تحت پیگرد جزایی به اتهام شایسته قرار گیرد. به عقیده نگارنده در رابطه با توجیه و تبیین نظر مزبور ضمن استناد به قواعد پیش گفته از باب منطبق حقوق و اصول مسلم قضایی نیز می توان استدلال نمود که اصولاً بزه کلاهبرداری در تشکل لزوماً از افعال هر دو طرف سود می برد نخست مانور متقابلانه متهم که قصد بردن مال غیر را دارد و در این طریق دست به اغوا و فریب مالباخته می زند که آمیخته با جهل و نا آگاهی اوست و دوم گول خوردن و امیدوار شدن واهی مالباخته و تسلیم مال و ... به متهم که تمامت بزه را در بردارد. لذا اینکه کسی دانسته مال خود را با آگاهی از عاقبت به دیگری بدهد نمی تواند کلاهبرداری باشد. ممکن است در باره متهم گفته شود، که در معرض اتهام تحمیل مال از طریق نامشروع است و به استناد ذیل ماده ۲ قانون تشدید قابل تعقیب و مجازات است که در پاسخ می توان گفت در اغلب موارد مثل ما نحن فیه رابطه طرفین به نوعی مبتنی بر قرارداد مدنی است و انگهی بزه معنونه در ماده مذکور ارکان خاصی دارد و با توجه به مجازات مقرر در آن نیز اثبات اتهام نیاز به ادله قوی و محکم دارد که معمولاً مفقود است زیرا با توجه به ترکیب بزه و رکن مربوط به مالباخته در



این ماده با لحاظ علم و آگاهی شاکای اثبات وقوع بزه ممنوع به نظر می رسد، کما اینکه در دادنامه های شماره ۱۷۶۰-۱۳۸۳/۱۲/۲۷ و ۱۳۰-۱۳۸۴/۰۲/۱۵-۱۳۸۴/۰۸/۲۹-۱۲۲۹-۱۳۸۴/۰۸/۲۹ صادره از شعبه دادگاه عمومی تهران و دادنامه شماره ۱۲۲۹-۱۳۸۴/۰۸/۲۹-۱۳۸۴/۰۸/۲۹ صادره از شعبه ۱۹ دادگاه تجدید نظر مرکز استان تهران که در رسیدگی به تجدید نظرخواهی به عمل آمده از دادنامه دادگاه بدوی صادر شده و تحت مضامین پیش گفته به موجب دادنامه شماره ۱۸۲۴ - ۱۳۸۵/۰۵/۰۵ صادره از شعبه دوم تشخیص دیوانعالی کشور و دادنامه شماره ۸۱۴-۱۳۸۴/۰۶/۲۰-۱۳۸۴/۰۶/۲۰ صادره از شعبه ۱۹ دادگاه تجدید نظر مرکز استان تهران در رسیدگی به تجدید نظرخواهی به عمل آمده از دادنامه شماره ۲۲۱-۱۳۸۴/۰۲/۲۷-۱۳۸۴/۰۲/۲۷ صادره از شعبه دادگاه عمومی تهران به آن تسنید و تعلیل و تصریح گردیده که بیافزائید بر این معنا اثرچنین استتاجی را و نتیجه آن را در جرم زدایی



و قضا زدایی و کاستن از تورم کیفری و ترهیب خطا اندیشان و بازداشتن آنان از دست یازیدن به جرم پیشگیری و ... را ادله و آراء مربوطه ذیلاً جهت مزید اطلاع خوانندگان به عنوان نمونه آورده می شود.

رئیس شعبه ۱۹ دادگاه تجدید نظر تهران

حمید محمدی

پی نویس:

۱. اقدام: به معنی پایش نهادن، دلیری ورزیدن، شروع به کار کردن و در اصطلاح فقهی عبارت است از عملی که به عامل آن زیان برساند و در عین حال چه بسا ساقط کننده ضرر و زیان از دیگران باشد. مانند اعراض مالک از مال خود یا دادن مال خود با علم و آگاهی به تصرف صغیر یا دیوانه که آن را تلف کند.

لنگرودی - دکتر محمد جعفر - ترمینولوژی حقوق

اقدام قاعده‌ای است فقهی که مفاد آن این است:

۱. هر کسی به ضرر خود نسبت به مال خود اقدامی کند در مورد اقدام وی کسی به نفع او مسئولیت مدنی ندارد و قانون از چنین کسی حمایت نمی کند.

۲. کسی با علم و قصد و رضا ضرر یا ضمانی را بپذیرد مانند آنکه مالی را به بهای بیشتر بخرد. یا به دیگری بدهد که آن را در دریا اندازد. در این صورت هیچکس ضامن او نخواهد بود و ضرر از کیسه خودش رفته. ادله این قاعده عبارتند از:

الف) تسلط مردم بر حقوق و اموال خود

ب) قاعده تسلیط

ج) بنای عقلا

د) روایات

مانند: رجل ضمن عن رجل ضمناً ثم صالح علی بعض ما صلاح علیه، قال: لیس له الا الذی صالح علیه. یعنی: یکی ضامن دیگری شده آن گاه آنچه را داده بود به مقداری از آن مصالحه کرد. امام فرمود: جز آنچه مصالحه کرده حقی ندارد.

محمدی - ابوالحسن، قواعد فقه: صفحه ۲۳۵ نشر یلدا - ۱۳۷۳ تهران

مصطفوی - سید حسن - قواعد فقه صفحه ۴۹

شیخ مرتضی انصاری - مکاسب - صفحه ۱۰۳

شفایی - محسن - قواعد فقه - صفحه ۷۳

۲. اعراض: در لغت به مهنی روی گردندان است. در علم حقوق و فقه، عبارت است از: چشم پوشی مالک از مالی از اموال خود به قصد ترک مالکیت. در نتیجه اعراض مال مورد اعراض، جزو مباحات می شود. هر چند که اعراض کننده قصد اباحه آن را نداشته باشد. اعراض به معنی اذن دادن در تصرف به دیگران نیست. اثر مستقیم اعراض، ساقط کردن تسلط مالکانه است. اعراض، ایقاع است و در نتیجه اعراض، مال بلامالک می شود، اما مالک، مالکیت خود را از دست نمی دهد.

جعفری لنگرودی - دکتر محمد جعفر مبسوط - جلد اول صفحه ۴۷۸ گنج دانش ۱۳۷۸

۳. ریسک: در اصطلاح علم حقوق، نظریه ای است که به موجب آن هر کس مسئول خسارت ناشی از فعل یا ترک فعل خود او یا خدمه و گماشتگان و کارگران او و یا ناشی از چیزهای تحت حفاظت او شده و به دیگری وارد گردد. تحقق



تقصیر، شرط این مسئولیت نیست. در حقوق اسلام، تقصیر شرط مسئولیت مدنی نیست. صرف انتساب ضرر، به فاعل ضرر کافی است که او را مسئول کند.

جعفری لنگرودی - دکتر محمد جعفر - ترمینولوژی حقوق

۴. آراء قضایی، نمونه اول:

به تاریخ ۸۳/۰۶/۲۷ دادنامه ۱۷۶۰

مرجع رسیدگی شعبه ۱۱۸۰ دادگاه عمومی تهران

شکات: ۱. آقای الف - ی

۲. خانم الف با وکالت ع - الف

متهمین آقایان: واو - ع، قاف - ع، میم - ع

اتهام: شرکت در کلاهبرداری به مبلغ یکصد و شصت میلیون ریال از شکایت گردشکار: دادگاه پس از بررسی محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی دادگاه:

در خصوص شکایت آقای الف و خانم الف علیه آقایان ۱. واو - ع و ۲. قاف - ع و ۳. میم - ع بر شرکت در کلاهبرداری و اخذ مبلغ یکصد و شصت میلیون ریال از شکایت جهت اعزام شاکی ردیف اول به کشور نیوزیلند با توجه به اعلام شکایت شکات و تحقیقات بعمل آمده توسط مامورین و فرار متهمین ردیف دوم و سوم که در حال حاضر در کشور تایوان سکونت دارند و عدم همکاری متهم ردیف اول با مامورین و همکاری وی با دو متهم متواری ردیف دوم و سوم و اظهارات شهود و سایر محتویات پرونده جرمشان محرز است لذا دادگاه مستنداً به ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی و ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری هر کدام از متهمان را به تحمل دو سال زندان و متضامناً به پرداخت یکصد و شصت میلیون ریال جزای نقدی و پرداخت یکصد و شصت میلیون ریال در حق شکات محکوم می نماید و در خصوص شکایت شکات بر علیه آقایان فرهاد و رسول مبنی بر همکاری و مشارکت با متهمان به لحاظ عدم احراز وقوع بزه رأی برائت آنان صادر و اعلام می گردد. رأی صادره در مورد متهم ردیف اول حضوری و ظرف ۲۰ روز قابل اعتراض تجدیدنظر در محاکم تجدیدنظر استان تهران و در مورد متهمین ردیف دوم و سوم غیابی و ظرف ده روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این دادگاه می باشد.

رئیس شعبه دادگاه عمومی تهران

دادنامه حضوری: به تاریخ ۱۳۸۴/۰۲/۱۵ پرونده شماره دادنامه: ۱۳۰

مرجع رسیدگی شعبه دادگاه عمومی جزایی تهران

خواهان ق - ع

خوانده: الف - ی و الف - ج

گردشکار دادگاه پس از بررسی محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می نماید. رأی دادگاه:

در خصوص واخواهی آقای ق - ع فرزند الف علیه آقای امیر و خانم الف نسبت به دادنامه شماره ۱۷۶۰ - ۱۳۸۲/۱۲/۲۷ این دادگاه دال بر محکومیت وی به تحمل دو سال زندان و پرداخت یکصد و شصت میلیون ریال (متضامناً به شکات) و پرداخت یکصد و شصت میلیون ریال جزای نقدی به اتهام شرکت در کلاهبرداری با توجه به اینکه از ناحیه نامبرده



دلایل و مدارکی که موجبات فسخ دادنامه را فراهم نماید. ارائه ننموده به دادنامه صادره ایراد و اشکالی وارد نمی باشد دادگاه ضمن رد واخواهی نامبرده دادنامه صادره را عیناً تأیید می نماید. رأی صادره حضوری و ظرف مدت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این دادگاه می باشد.

رئیس شعبهدادگاه عمومی تهران

دادنامه: به تاریخ ۱۳۸۴/۰۸/۲۹ شماره دادنامه ۱۲۳۹
مرجع رسیدگی شعبه ۱۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
هیأت قضات رسیدگی کننده:

تجدیدنظر خواه: ۱- قاف - ع

۲. خانم الف - ج

تجدید نظر خواسته: دادنامه شماره ۱۳۰ مورخ ۱۳۸۴/۰۲/۱۵

صادر از شعبه.....دادگاه عمومی تهران

گردشکار: دادگاه با بررسی اوراق و محتویات پرونده ختم دادرسی را اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی دادگاه:

قطع نظر از سبک و سیاق نگارش و کیفیت انشاء و استدلال دادگاه محترم بدوی در دادنامه اصداری که لزوم تذکر دارد، با توجه به جامع محتویات پرونده و مدلول دادنامه تجدیدنظر خواسته و انکار مؤکد متهم از بزه انتسابی و مفاد لایحه تجدیدنظر خواهی و کیفیت قضیه که مبتنی است بر اقدام خود تجدید نظر خواهانها با علم و اطلاع آنان از نتیجه و وجود منع قانونی و امکان یا عدم امکان برآورد خواسته شان که کاملاً مبنی بر خطر و احتمال بوده ضمن اینکه نفساً اقدام خود آنان نیز که آگاهانه بوده و نه در اثر اغوا و فریب متهم، به موجب قانون فاقد توجیه است و مستنداً به اصل برائت و اینکه به نظر دادگاه دلیل مقنع و محکمه پسند در رابطه با بزهکاری تجدید نظر خواه در پرونده وجود ندارد لهذا با لحاظ اینکه محل ارتكابی متهم در قدیم متهم مدنی بوده و نه فریب و اغوا لذا با قبول تجدید نظر خواهی قاف - ک از دادنامه شماره ۱۳۰-۱۳۸۴/۰۲/۱۵ صادره از شعبه دادگاه عمومی تهران از جهت محکومیت به تحمل دو سال حبس و پرداخت ۱۶۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال جزای نقدی و رد مال در حق شکات آقای الف - ی و خانم الف - ج به اتهام کلاهبرداری موافق بند یک از شق ب از ماده ۲۵۷ قانون آئین دادرسی کیفری ضمن نقض دادنامه تجدیدنظر خواسته مستنداً به اصل ۳۷ قانونی اساسی رأی بر برائت متهم را از بزه انتسابی صادر و اعلام می دارد رأی صادره قطعی است .../ م

مستشار دادگاه

قربان باسره

رئیس شعبه ۱۹ دادگاه تجدید نظر استان تهران

حمید محمدی

رأی دیوانعالی کشور:

تاریخ رسیدگی ۱۳۸۵/۰۵/۰۵ - ۲/۱۸۲۴

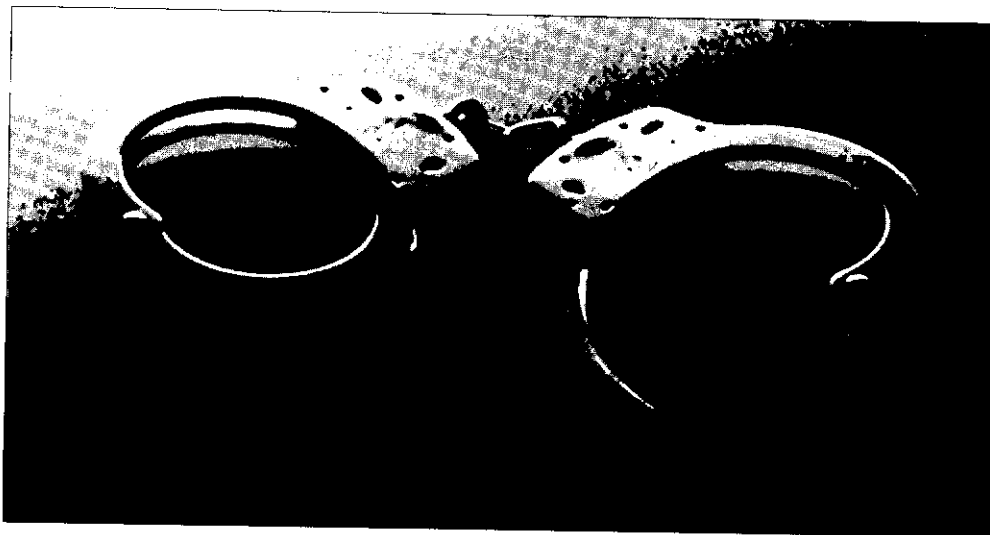
تجدیدنظر خواه آقای الف

تجدیدنظر خواسته دادنامه شماره ۱۲۳۹-۱۳۸۴/۰۸/۲۹ صادره از شعبه ۱۹ دادگاه تجدید نظر استان تهران تاریخ ابلاغ دادنامه به تجدید نظر خواه ۱۳۸۴/۱۱/۱۲ تاریخ وصول دادخواست تجدیدنظر ۱۳۸۴/۱۱/۲۹ مرجع رسیدگی شعبه دوم

تشخیص دیوانعالی کشور

۶۰





خلاصه جریان پرونده:

مطابق دادنامه شماره ۱۷۶۰-۱۳۸۲/۱۲/۲۷-صادره از شعبه دادگاه عمومی تهران آقایان واو - قاف و میم - ع فرزندان الف به اتهام شرکت در کلاهبرداری موضوع شکایت آقای الف - ی و خانم الف - ج با توجه به اعلام شکایت شکات تحقیقات بعمل آمده توسط مأمورین و فرار متهمین ردیف دوم و سوم مستنداً به ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی و ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری هر یک از متهمان به دو سال حبس و متضامناً به پرداخت یکصد و شصت میلیون ریال جزای نقدی و پرداخت یکصد و شصت میلیون ریال در حق شکات محکوم شده اند حکم در مورد نفرات دوم و سوم غیابی اعلام شده است برابر دادنامه شماره ۱۳۰-۱۳۸۴/۰۲/۱۵ همان شعبه وخواهی آقای قاف - ع مردود اعلام گردیده است شعبه ۱۹ دادگاه تجدید نظر استان تهران طبق دادنامه شماره ۱۲۲۹-۱۳۸۴/۰۸/۲۹ و با این استدلال که «با توجه به جامع محتویات پرونده و مدلول دادنامه تجدید نظر خواسته و انکار موکد متهم از بزه انتسابی و مفاد لایحه تجدید نظرخواهی و کیفیت موضوع که مبنی بر اقدام خود تجدید نظر خواهان ها با علم و اطلاع آنان از امکان یا عدم امکان برآوردخواستہ شان بوده ضمن اینکه نفساً اقدام خود آنان نیز به موجب قانون فاقد توجیه است» مستنداً به اصل براءت و اینکه به نظر دادگاه دلیل مقنع و محکمه پسند وجود ندارد ضمن نقض تجدیدنظر خواسته رأی بر براءت متهم ق - ع صادره کرده است سپس آقای الف - ی طی شرحی خطاب به ریاست محترم شعب تشخیص دیوانعالی کشور تقاضای اعمال تبصره ۲ ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب را نموده که به شماره ۹۶۹۳۳-۱۳۸۴/۱۱/۲۹ در دفتر ثبت و جهت رسیدگی به این شعبه ارجاع گردیده است به حسب ضرورت پرونده های محاکماتی مطالبه که واصل شده اوراق و محتویات پرونده تحت نظر قرار گرفته اینکه به شرح آتی اقدام می شود.

هیئت شعبه در تاریخ بالا تشکیل گردید پس از قرائت گزارش آقای عمرانی عضو ممیز و اوراق پرونده دادنامه شماره ۱۲۲۹ - ۱۳۸۴/۰۸/۲۹ تجدید نظر خواسته مشاوره نموده با اکثریت چنین رأی می دهد.

تجدید نظر خواهی فوق العاده آقای الف - ی نسبت به دادنامه شماره ۱۲۲۹ - ۱۳۸۴/۰۸/۲۹ صادره از شعبه ۱۹ دادگاه تجدید نظر استان تهران با بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب مهر ماه ۱۳۸۱ انطباق ندارد و دادنامه صادره از مرجع تجدیدنظر با توجه به مبانی صدور آن خالی از اشکال بین است بنا به مراتب قرار رد درخواست صادر اعلام می گردد این قرار قطعی است.



رئیس شعبه ۲ تشخیص دیوانعالی کشور

حسین سلیمی

مستشاران

ابراهیم لشکری و رسول شاملو

نمونه دوم:

به تاریخ ۱۳۸۴/۰۲/۲۷ شماره دادنامه : ۲۲۱

مرجع رسیدگی شعبه..... دادگاه عمومی تهران

شاکی: علی فرزند ف و رحیم فرزند م و مجید فرزند الف.

متهمه: خانم خاور - م

اتهام: کلاهبرداری، اختلاس، ارتشاء

رای دادگاه:

حسب شکایت آقای م - ه به وکالت از آقایان ع ف، ر م، م - الف علیه خانم خ - م دایر بر کلاهبرداری با این توصیف که متهم با ادعای واهی اینکه از طریق پسرش که در یونان به سر می برد می تواند شکات را به کشور یونان برده و شرایط اشتغال به کار آنان را فراهم نماید و به همین منظور مبالغی از آنان دریافت نموده لکن شکات به جهت اینکه به طور غیر قانونی از ترکیه عازم یونان بوده اند در دریا توسط پلیس ترکیه دستگیر و به ایران باز گردانده می شوند مع الوصف با توجه به محتویات پرونده نظر به شکایت وکیل شکات شهادت شهود که پرداخت وجوه را از سوی خانواده شکات به متهم شاهد و ناظر بوده اندو دفاعیات غیر موجه متهم و سایر قرائن و امارات موجود در پرونده محرز و با انطباق عملش با ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشاء و کلاهبرداری این دادگاه به استناد ماده مزبور متهم موصوف را به تحمل یک سال حبس تعزیری و پرداخت ۸,۲۰۰,۰۰۰ ریال در حق آقای ع - ف، ۱۳,۸۰۰,۰۰۰ ریال در حق ر - م - ۱۲,۱۰۰,۰۰۰ ریال در حق م - الف، ۱۳,۸۰۰,۰۰۰ ریال و پرداخت جمع مبالغ مزبور بعنوان جزای نقدی در حق دولت محکوم می نماید رأی صادره حضوری و ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی در مرجع تجدید نظر استان تهران است.

رئیس شعبهدادگاه عمومی تهران

رای دادگاه تجدید نظر:

به تاریخ: ۱۳۸۷/۰۶/۲۰

شماره دادنامه: ۸۴

مرجع رسیدگی شعبه ۱۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

هیات قضات رسیدگی کننده:

تجدیدنظر خواه: آقای م - م - ع به وکالت از خانم خ - م

تجدیدنظر خوانده: م - ه

تجدید نظر خواسته: دادنامه شماره ۲۲۱ مورخ ۱۳۸۴/۰۲/۲۷

صادر از شعبهدادگاه عمومی تهران

گردشکار: دادگاه با بررسی اوراق و محتویات پرونده ختم دادرسی را اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می نماید.

رای دادگاه:

تجدید نظر خواهی آقای م - ع به وکالت از خانم خ - م فرزندش از دادنامه شماره ۲۲۱ مورخ ۱۳۸۴/۰۲/۲۷ صادره از شعبه دادگاه عمومی جزایی تهران از جهت محکومیت مشارالی ها به تحمل یک سال حبس و پرداخت جزای نقدی به شرح مندرجه در دادنامه و رد مال به شکات به این عنوان که از شکات میبایستی دریافت نموده تا آنان را جهت اشتغال به کار به کشور یونان ببرد ولکن پلیس آنان را در حال عزیمت غیر قانونی از کشور ترکیه در دریا دستگیر و به ایران بازگردانده و اتهام کلاهبرداری وارد به نظر می رسد زیرا با عنایت به صریح شکایت شکات در صفحات ۲۶ و ۲۵ و ۲۴ و ۲۳ پرونده تصریحی به بروز فعل مادی مثبت از سوی محکوم علیهما به عمل نیامده و بلکه نام وی به همراه فرزندان و به تصریح همکاری و با حرف و او به انضمام فرزندانش واو - و الف - م ذکر شده وانگهی اساساً عمل شکات که با علم به غیر قانونی بودن خروج انجام گرفته محمل ریسک را در بر دارد زیرا اینکه خروج قانونی از کشور ایران و ورود به کشور بیگانه نیاز به ویزای معتبر و طی تشریفات خاص دارد بر شکات پوشیده نبوده و بلکه کاملاً بر آگاهی آنان دلالت دارد که علیرغم این وقوف و احتمال زیاد کشف و دستگیری و اعاده به کشور ایران تصمیم به خروج از ایران اتخاذ نموده اند وانگهی عمل آنان براساس قاعده اقدام اصولاً دانسته و به ضرر خود و نسبت به مال خود وجهه جزایی نمی تواند داشته باشد و بلکه توجیه فریب از سوی متهم را نیز در بر ندارد زیرا از آنجا که نسبت به طرفین بزه کلاهبرداری اصولاً دارای دو بخش متمایز است نخست مانور متقلبانه متهم مبتنی بر قصد او بر اغوای طرف و فریب او و سپس فریب خوردن طرف و دادن مال و ... به متهم و آن گاه بردن مال از سوی متهم و خوردن آن به باطل که نتیجه عدم آگاهی مالباخته است بنا به مراتب بارز و بدیهی است که فریب و تقلب و امیدوار ساختن به امر واهی که از لوازم کلاهبرداری است زمانی مصداق دارد که خود مالباخته به عواقب عمل خود و دیگری وقوف نداشته باشد نه اینکه بداند و آگاه باشد که در امری که نسبت به اقدام آن به غیر رجوع کرده وجه عدم امکان غلبه بر امکان آن دارد بنائاً با فقدان شرایط حصول قانونی جرم کلاهبرداری و عدم وصف جزایی قضیه و با توجه به کیفیت و اظهارات و توضیحات شکات و مدافعات متهمه که مبین وجود نوعی توافق و تعاهد ولو شفاهی بین طرفین نسبت به مورد و نافی وجه احتمال وقوع بزه تحصیل مال از طریق نامشروع نیز می باشد لهذا و با پذیرش درخواست بعمل آمده با لحاظ مندرجات لایحه تجدید نظر خواهی و مدافعات محکوم علیها در طول دادرسی مستنداً به بند یک از شق ب از ماده ۲۵۷ قانون آئین دادرسی کیفری دادنامه تجدیدنظر خواسته را نقض و موافق اصل ۳۷ قانون اساسی رأی بر براءة جزایی متهمه را از بزه انتسابی صادر و اعلام می دارد. رأی صادره قطعی است .. / م

حمید محمدی رئیس شعبه ۱۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

مستشار دادگاه قربان باسره

